

Hedraan Patrick 1775 - 1775

ویراسته و ترجمه شده است

تاریخچه

1775 - 1775

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

Des Jacobines, c. 1793

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه



تاریخچه

# پاتریک مُدیانو ناشناخته ماندگان

## ترجمه‌ی ناهید فروغان

- جهان‌نو -

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

تاریخچه

پاییز آن سال با باران و برگریزان و مه رقیق روی اسکله‌ی ساژون<sup>۱</sup> زودتر از معمول فرا رسید. هنوز در خانه‌ی پدر و مادرم واقع در تپه‌ی فوردویر<sup>۲</sup> سکونت داشتم. لازم بود کار پیدا کنم. در ژانویه به عنوان ماشین‌نویس در شرکت ابریشم مصنوعی و ابریشم‌بافی میدان کروا-پاکه<sup>۳</sup> به مدت شش ماه استخدام شده بودم و حقوقم را پس انداز کرده بودم. بعد، برای گذراندن تعطیلات به تورمولینوس<sup>۴</sup>، در جنوب اسپانیا، رفته بودم. هجده‌ساله بودم و برای نخستین بار فرانسه را ترک می‌کردم.

در ساحل تورمولینوس با زنی فرانسوی آشنا شده بودم، که سال‌ها بود با همسرش آن‌جا زندگی می‌کرد و میری ماکسیمف<sup>۵</sup> نام داشت. زن موخرمایی بسیار زیبایی بود. او و همسرش هتل کوچکی را اداره می‌کردند که من در آن اتاق گرفته بودم. به من گفته بود که قصد دارد پاییز برای مدتی طولانی به پاریس سفر کند و در خانه‌ی دوستانش، که نشانی آن را به من داده بود، سکونت کند. به او قول داده بودم، که اگر فرصتی دست دهد، برای دیدنش به پاریس بروم.

در بازگشت از تورمولینوس، لیون به‌نظم حزن‌آلود آمد. نزدیک خانه‌مان، سمت راست، بر سر بالایی سن بارتلمی<sup>۶</sup>، مدرسه‌ی شبانه‌روزی لازاریان<sup>۷</sup> قرار داشت که بناهایی ساخته شده بر دامنه‌ی تپه بود و نماهای ماتم‌زده‌شان بر کوچه مسلط بود. در بزرگ آن در دیواری بلند تعبیه شده بود. لیون در سپتامبر آن سال